

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران / ۱۳۷۵/۰۹/۲۴

آمریکاییها با سیاست خارجی ضعیف و علیلشان- که در این چندساله نشان دادند که سیاست خارجی دولت آمریکا بخصوص این دولت کنونی آمریکا چقدر ضعیف و علیل و ناتوان است- به این نتیجه رسیده‌اند که بلکه نتوانند- به خیال خودشان- مثلا ضرب‌شستی نشان دهند. البته چیزی اظهار نمی‌کنند. قراین این طور به نظر بعضی می‌رساند. مثلا می‌گویند: در فلان انفجار، ایرانیها دست داشتند؛ یا در فلان قضیه، ایرانیها دخالت داشتند- از این‌گونه حرفها و بهانه‌گیری‌های بی‌ارزش و بیپوده- برای اینکه شاید بتوانند لاف‌های یک زمینه‌سازی ذهنی درست کنند!

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۶/۱۰/۲۶

ما یک روز در حال جنگ بودیم. قبل از آن، اوقاتی بود که حکومت ما از لحاظ امکانات، حکومتی بسیار ضعیف بود. آن روز نتوانستند با ما کاری انجام دهند. آن روز نتوانستند ضرر اساسی وارد کنند. امروز بحمد الله دولت ایران، دولتی عزیز و مقتدر است و در سطح جهانی به عنوان یک کشور مقتدر و عزیز شناخته شده است؛ رئیس کنفرانس اسلامی است. در بسیاری از کنفرانسهای جهانی، به عنوان یک عضو محترم شناخته شده است؛ دولتها برایش احترام قائلند، ملتها برایش احترام قائلند. امروز ما از چه بترسیم؟ چرا بترسیم؟ چرا خیال کنیم که اگر با همین وضعی که در این نوزده سال داشتیم، ادامه دهیم، چنین و چنان خواهد شد؟ آمریکا احتیاج دارد. آمریکا امروز آن قوت و قدرت ده سال، پانزده سال قبل را هم ندارد. روزی بود که حرف دولت آمریکا در اروپا و جاهای دیگر، با احترام تلقی می‌شد و با آن با احترام رفتار می‌شد؛ امروز آنطور هم نیست. امروز آمریکاییها از لحاظ دیپلماسی و سیاست خارجی، در موضع ضعفند؛ در موضع قدرت نیستند. می‌خواهند در حال ضعفشان، همان هیبت ابرقدرتی را علیه ما و در مقابل ملت ایران به کار ببرند!

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۷/۰۸/۰۸

خود آمریکاییها مکرر گفته‌اند که قراردادهای صلح بین سازمان به اصطلاح آزادی‌بخش فلسطین و اسرائیل، نقش کاغذ است و هیچ واقعیت خارجی ندارد. به خاطر ضعف دیپلماسی و ناتوانی آمریکا در دنبال‌گیری این کار، آبروی آمریکا در دنیا رفت. مسائل داخلی و خارجی متعدد دیگری هم هست. نشستند با یک کار فشرده در ظرف چند هفته کوتاه، توافقی را به امضای کسی که خود را نماینده مردم فلسطین می‌داند، رساندند؛ انسانی حقیر، انسانی خائن، انسانی به شدت فرورفته در لجنزار خودپرستی و دنیاپرستی که اصلا لایق نیست انسان او را عضوی از مقاومت فلسطین بداند؛ چه رسد به اینکه بخواهد رهبر آن مقاومت باشد! او در حقیقت مسئولیت تعقیب و دنبال‌گیری کار مبارزات فلسطینی را بر عهده گرفت؛ یعنی مساله‌ی گرفتاری بزرگ دولت صهیونیست را از قبل انقلابیون مسلمان فلسطینی، از دوش او برداشت و به دوش خودش گرفت! این بار را که او باید حمل می‌کرد، این حمل کرد و کار دشمن آسان شد! برای انقلابیون فلسطین، مشکلات و دردسر آفرید و دخالت زشت و حضور مداخله‌جویانه‌ی تحکم‌آمیز آمریکا را بیشتر کرد!

بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان اردبیل / ۱۳۷۹/۰۵/۰۵

امروز حتی قدرتی مثل قدرت آمریکا که البته از لحاظ اقتصادی، از لحاظ ثروت ملی، از لحاظ پیشرفت علمی و نظامی در سطح بالاست به شدت آسیب‌پذیر است و از درون تهدید می‌شود. در تظاهرات آمریکایی این را نمی‌شود دید؛ ما که از بیرون نگاه می‌کنیم، نمی‌توانیم این را درست ببینیم؛ اما اندیشمندان و فیلسوفان سیاسی خود آمریکا این هشدار را می‌دهند و در کتابهای متعدد نوشته‌اند. امروز را در آمریکا تشبیه می‌کنند به دهه‌ی ۶۰ آمریکا از ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰؛ دهه‌ی جنگ ویتنام و معتقدند دهه‌ی ۱۹۶۰، دهه‌ی تزلزل آمریکا بود؛ دورانی که جنگ ویتنام بود و دانشگاه‌های آمریکا، خیابانهای آمریکا و محیطهای مردمی آمریکا در یک چالش دائمی با دولت بود. جنگ تمام شد، آن آتش هم تا حدودی فرونشست؛ چون مظهری نداشت.

امروز و در دهه‌ی اول هزاره‌ی سوم، می‌گویند شرایط برای آنها، شرایط دهه‌ی ۶۰ است؛ منتها ویرانی از درون است ویرانی اخلاقی است، ویرانی ایمانی است نقطه‌ی تمرکز ایمان برای مردم و جوانها نیست. علم پیشرفت می‌کند، آزمایشگاه‌ها کار می‌کنند، ساخت‌وساز علمی و صنعتی و اتمی و غیره پیش می‌رود؛ اما روز به روز هویت ملی ضعیف‌تر می‌شود. این را آنها می‌گویند؛ این آسیب‌پذیری مهمی است. انتظار نیست که ما این را در رُستهای رئیس‌جمهور آمریکا مشاهده کنیم، یا در حرفهای آنها اقرار به آن را بشنومیم؛ اما واقعیتی است. اگر بخواهیم مظهر این ضعف را در دنیاکی بیرونی مشاهده کنیم، ضعف نفوذ آمریکا در دنیا یکی از مظاهر آن است. تحریمهای آمریکا در دنیا با عکس‌العمل شدید مواجه می‌شود. تصمیمهای آمریکا در زمینه‌ی مسائل جمعی، با امتناع دولتهای دیگر در اروپا و غیر اروپا مواجه می‌شود. انتخاباتهای اقتصادی آمریکا در مسائل جهانی، با چالش عظیم قدرتهای مردمی و سیاسی در دنیا مواجه می‌شود. نفوذ آمریکا رو به افول است. بعد از دوران جنگ سرد، بعد از افول و انحلال شوروی، آنها ادعا کردند که ما باید رئیس امپراتوری بزرگ دنیا باشیم؛ اما دنیا حتی به عنوان یک ابرقدرت نافذ الکلهمه هم دیگر از آنها حرف‌شنوی ندارد. شرکت نفتی قرارداد بسته‌ی با مناطق تولید گاز ایران را ممنوع کردند از اینکه به کارش ادامه بدهد؛ بلافاصله یک شرکت فرانسوی جای آن را گرفت. قانون گذارند، فریاد کردند و نوشتند؛ فایده‌ای نکرد. مسئله این‌گونه است. نفوذ سیاسی آمریکا افول کرده است؛ این یکی از مظاهر عقب‌رفت قدرت امریکاست.

این‌ها آسیب پذیرند. نمونه‌ی اخیر همین چند روزه‌ی آن، مسئله «کمپ‌دیوید ۲» است. یاسر عرفات و رئیس رژیم صهیونیستی را پانزده روز تمام بردند در «کمپ‌دیوید» نگه داشتند تا شاید بتوانند چیزی از آن در بیاورند که برای آمریکا یک تحرک سیاسی، یک تجدید حیات سیاسی و یک مظهر نفوذ سیاسی باشد. نتوانستند؛ اعتراف کردند که شکست خوردند. آمریکاییها در قضیه «کمپ‌دیوید» شکست فضاخبری خوردند؛ هیچ طرف تسلیم آنها نشد.

بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسنولان برگزارکننده مراسم دهه فجر / ۱۳۸۰/۱۱/۰۲

آمریکاییها باطن خود را نشان دادند. رئیس‌جمهور آمریکا در نطق اخیرش، مثل کسی حرف می‌زند که تشنه خون انسان‌هاست! کشورها و ملتها را تهدید و متهم می‌کند. همه دنیا می‌دانند که شیطان بزرگ، امریکاست؛ این یک حرف متکی به دلیل است. این عنوان «شیطان بزرگ» برای آمریکا، یک نامگذاری بی‌دلیل نبود. شما به تاریخ سی، چهل سال گذشته نگاه کنید؛ بیشترین کارشکنی را نسبت به نهضتهای مردمی و مستقل، آمریکا کرده است. بیشترین ترور شخصیتها مومن پاکدامن را در دنیا، دستگاه جاسوسی سیا آمریکا کرده است. بیشترین حمایت را از رژیمهای ضد مردمی در دنیا، آمریکا کرده است. بیشترین فروش اسلحه و سلاحهای مرگ‌بار را در دنیا آمریکا کرده است. بیشترین چپاول و غارت را نسبت به ثروتهای ملتها، آمریکا کرده است. این‌ها شیطنت است؛ پس بزرگترین شیطنتهاست. البته این کارها را شیطنتهای دیگری هم در دنیا می‌کنند، اما هیچ‌کدام به شیطنت آمریکا نیستند؛ پس او حقا شیطان بزرگ است. این شیطان بزرگ که همه ملتها- نمی‌گویم همه دولتها و حکومتها- شیطنتش را قبول دارند، جمهوری اسلامی را به شیطنت متهم می‌کنند! ما افتخار می‌کنیم که منفورترین شیطنتهای دنیا، ما با این لحن حرف بزنند. ما از تعریف و تجلیل سردمداران رژیم آمریکا هرگز خشنود نمی‌شویم. او مسنولان کشور ما را متهم می‌کند که منتخب مردم نیستند! در جمهوری اسلامی، همه سران کشور، منتخبان ملتند؛ آن هم نه یک انتخاب خشک و صرفا برای اینکه کاری کرده باشند؛ یک انتخاب حد اکثری مطلق و همراه با عواطف شدید است. این بی‌تجربگی‌ها و بی‌معرفتی‌های نسبت به حقایق ملتها، همان چیزهایی است که آمریکا تابه‌حال سیلی و چوب آن‌ها را خورده و بعد از این هم خواهد خورد. مسنولان بی‌تجربه امروز آمریکا، کشور بزرگ خود را با این حرفها و با این کارها لحظه به لحظه به لبه پرتگاه سقوط نزدیک‌تر می‌کنند. این‌ها از معنویت و انسانیت و حقوق انسانی بویی نبرده‌اند. با ملت‌های مظلوم، اگر بتوانند، در نهایت شدت و خشونت عمل می‌کنند. با ملت‌هایی که در مقابل آن‌ها تسلیم نشوند و به زانو در نیایند؛ اگر بتوانند، همان کاری را می‌کنند که امروز رژیم صهیونیستی با مردم فلسطین می‌کند. ولی نمی‌توانند و در ارزیابی

قدرت خود هم اشتباه می‌کند.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان / ۱۳۸۳/۰۲/۱۲

امروز پرچم مبارزه با تروریسم در دست امریکا است؛ این پرچم را گرفته است و مرتب به این طرف و آن طرف می‌تازد و خودش را به میمنه و میسره می‌زند، که ما می‌خواهیم با تروریسم مبارزه کنیم؛ آنوقت ترور واضح با اعلام قبلی شخصیت‌های فلسطینی را که سلاخها و جنایت‌کارهای صهیونیست انجام می‌دهند، تأیید می‌کند؛ خجالت هم نمی‌کشند و شرم هم نمی‌کنند! خود همین دلیل بر این است که این‌ها رو به زوالند و نمی‌فهمند. برای یک نظام و یک رژیم سیاسی، ضعف حقیقی و افول قدرت وقتی شروع می‌شود که این رژیم و این نظام، استدلال سیاسی و قانع‌کننده‌ی برای کار خود، و حقانیت سیاسی خود را از دست بدهد. وقتی رژیمی حقانیت سیاسی‌اش از دست رفت و استدلال او برای موجودیت و کارهای خودش از دست او خارج شد، آن وقت قدرت معنوی خود را از دست داده است و سقوط او شروع شده است؛ و لو در ظاهر چیزی فهمیده نشود و خود او نفهمد. این‌ها این قدر مست قدرت و شهوتند که نمی‌فهمند ضعف استدلال و فقدان حقانیت سیاسی آن‌ها در دنیا، با آن‌ها چه دارد می‌کند.

بیانات در دیدار بسیجیان استان همدان / ۱۳۸۳/۰۲/۱۶

طبیعت باطل این است که جولان می‌کند. «للباطل جوله»؛ الآن امریکا در دنیا جولان می‌کند. گاهی هم به رخ ما می‌کشد که ما هم در دروازه‌ی غربی شما هستیم، هم در دروازه‌ی شرقی شما- در عراق و افغانستان- راست هم می‌گویند؛ اما آیا این برای امریکا قدرت است یا ضعف؟ ما اعتقادمان این است که این نشانه‌ی ضعف آن‌هاست و باعث فشار بر آن‌هاست. امروز امریکا در عراق دچار مشکلاتی است که برای خارج شدن از این مشکلات فکر می‌کند. امریکا به اختیار خود وارد عراق شد؛ اما امروز به اختیار خود برنامه‌ریزی نمی‌کند و تصمیم نمی‌گیرد. امروز برنامه‌ریزی‌های امریکا در عراق عموماً جنبه‌ی انفعالی دارد؛ کارهایی است که ناچارند انجام بدهند. بنده همان زمانی که امریکایی‌ها یا حمله را شروع کرده بودند یا می‌خواستند شروع کنند، در نماز جمعه گفتم شما به میل خودتان وارد می‌شوید، اما بدانید که به میل خودتان نمی‌توانید خارج شوید. تا امروز، هزینه‌های کمرشکنی بر امریکا تحمیل شده است و بعد از این هزینه‌های کمرشکن‌تری بر آن‌ها تحمیل خواهد شد؛ بمانند در عراق، برایشان هزینه دارد؛ خارج هم شوند، برایشان هزینه دارد؛ این، نقطه‌ی ضعف برای امریکا است که در عراق حضور دارد، نه نقطه‌ی قوت. امریکا علاوه بر هزینه‌های مادی- که حدود دویست میلیارد، آن‌طور که گفته می‌شود، تا حالا داشته- در عراق، متحمل ضرر هم شده است؛ مخارج لشکرکشی و تجهیزات و علاوه بر آن، تلفات انسانی. آن‌طور که خود آن‌ها آمار می‌دهند یا ما حدس می‌زنیم، نسبت تلفات امریکایی‌ها در مقابل عراقی‌ها از نسبت تلفات آن‌ها در مقابل ویتنامی‌ها، در جنگ ویتنام، بیشتر است، یا درصدی بیشتر است. در جنگ ویتنام هر بیست ویتنامی که کشته می‌شد، در مقابلش یک امریکایی قرار داشت؛ اما در اینجا امریکایی‌ها خودشان می‌گویند هزار نفر تا حالا کشته داشته‌اند و عراقی‌ها هفده هزار؛ یعنی یک بر هفده. البته طبق محاسباتی که انسان می‌کند یا خبرهایی که می‌شنود، تلفات امریکایی‌ها بیش از هزار نفر است. اگر این باشد، آنوقت نسبت خیلی بالاتر از این می‌رود. این‌ها نتوانسته‌اند عراق را فروبندند؛ در دهنشان گذاشتند؛ در گلویشان گیر کرده است. هر کاری بکنند، به ضرر آن‌هاست. امروز امریکا در عراق دچار تناقض است؛ از یک طرف احتیاج دارند که در عراق امنیت برقرار شود؛ چون اگر بخواهند در عراق مقاصد خودشان را اجرا کنند، بدون امنیت که نمی‌شود. اینکه هر روز یک لوله‌ی نفت را منفجر کنند و هر روز در جایی نیروهای امریکایی را هدف قرار بدهند، آن‌ها نمی‌توانند کار کنند. از طرف دیگر، خود حضور نیروهای نظامی امریکا عنصر ضد امنیتی است؛ خودش شورش‌آفرین است؛ اوضاع را معشوش و خراب می‌کند و مردم را علیه آن‌ها می‌شوراند. اگر بخواهند برای این دولتی که سرکار آمده است، امنیت را برقرار کنند، باید یک ارتش قوی به وجود بیاورند و از این جهت، امریکا احتیاج دارد که دولت عراق ارتش قوی داشته باشد؛ اما از آن طرف، از وجود یک ارتش قوی در عراق هم امریکایی‌ها می‌ترسند؛ چون می‌دانند یک ارتش قوی در یک دولت اسلامی و عربی بالقوه تهدید برای اسرائیل است؛ این تناقض دیگر است که ادعا می‌کنند ما آمدم دموکراسی برقرار بکنیم؛ اما قادر نیستند دموکراسی را برقرار کنند؛ برای خاطر اینکه با منافعی در تضاد است؛ چون اگر امروز انتخاباتی در عراق برگزار شود، بیشترین کسانی که رای خواهند آورد، مخالف‌ترین انسانها با امریکانند. دموکراسی یعنی این؟! این هم تناقض دیگری است که آن‌ها در آن گیر کرده‌اند و راهی برای خلاص ندارند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۶/۰۶/۲۳

قدرت‌نمایی قدرتمندان دیری نمی‌پاید. امریکا شکست خورد. در این حرکتی که از چند سال پیش در این منطقه راه انداختند، که هدفش خاورمیانه بود و به نظر ما هدف نهایی و غائی‌اش جمهوری اسلامی بود، نه خاورمیانه را توانستند به دست بیاورند، نه جمهوری اسلامی را توانستند تضعیف کنند؛ عراق هم که وضعشان این‌طور است. امریکائی‌ها دچار مشکلند. حالا فراقنی و طلبکار شدن رسانه‌ای که اهمیتی ندارد. حالا ایران یا کشور دیگری را متهم بکنند، که مایه‌ای ندارد. اما در خود این گزارش‌هایشان، ضعف و فروماندگی و پای در گلی کاملاً آشکار است. همین نمایندگان سیاسی و نظامی امریکا در عراق که رفتند به کنگره‌ی امریکا گزارش جنگ عراق را بدهند، چیزی که توانستند به عنوان دستاورد ذکر بکنند، این بود که گفتند عراق به بازار تسلیحاتی امریکا ملحق شد. خاک بر سرتان! یک کشور را گرفتند، این‌طور مردم را لگدمال کردند، این‌طور منافع ملت را از بین بردند، آن‌طور به ملت خودشان دروغ گفتند که ما به این نیت داریم می‌رویم، این کارها را می‌خواهیم بکنیم، حالا نتیجه این است که تسلیحات امریکا در عراق قابل فروش رفتن است! این، نشان‌دهنده‌ی نهایت ضعف و عقب‌ماندگی است؛ نشان‌دهنده‌ی این است که حقیقتاً ناکامند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۶/۰۶/۲۳

سرکوب انقلاب و شکست انقلاب- که یک پروژه‌ی استکباری بود- در این منطقه شکست خورده است و بعکس، مهاجمین به انقلاب، حتی در حجم دولت حجیم و قدرت‌مندی مثل امریکا، روز به روز به شکست و انزوا نزدیک‌تر می‌شوند. امروز ما نشانه‌ها و علائم واضح شکست را در سیاست‌های امریکائی در منطقه مشاهده می‌کنیم. این‌ها برای ملت ما و برای جوانان ما و برای تحلیلگران ما سرفصل‌های مهمی است که باید روی آن واقعا تدبیر کنند. یعنی بحث عظیم مواجهه‌ی نیروهای مردمی متکی به معنویت با نیروهای مادی متکی به زور و تهدید، یک بحث بسیار مهم و جدیدی است که باید در مباحث علوم اجتماعی و روان‌شناسی ملتها و روان‌شناسی اجتماعی مورد توجه قرار بگیرد؛ این کاملاً مغفول عه است. ملتی مثل ملت ما که نه بمب اتم دارد، نه از لحاظ علمی به او فرصت داده شده در طول صد سال که همپای پیشروان قافله‌ی علمی حرکت کند و مواقع زیادی عقب مانده، هم از لحاظ ثروتها به پای آن کشورهای ثروتمند نمی‌رسد، اما در عین حال این کشور و این ملت توانسته است توطئه‌های مجموعه‌ی کشورهای قدرتمند برخوردار از سلاح و تکنولوژی و ثروت مادی و رسانه‌ای را در مهم‌ترین میدانها به عقب‌نشینی وادار کند و شکست بدهد. این علتش چیست؟ این در خور تامل و تدقیق است. این را باید دانشمندان علوم سیاسی و علوم اجتماعی تحلیل کنند؛ ببینند نقش این معنویتها چگونه خود را نشان می‌دهد، که امروز در ایران نشان داده. لذا نگاه به این صحنه، نگاه عبرت‌آموز و درس‌آموزی است. صحنه، صحنه‌ی شکست قدرت استکباری امریکا است. نمی‌خواهیم ادعای واهی بکنیم؛ نه، این‌ها چیزهای واضحی است و خودشان هم می‌گویند. امریکائی‌ها قضیه ۲۰ شهریور، یعنی همان ۱۱ سپتامبر چهار پنج سال قبل را بهانه‌ای قرار دادند برای اینکه مطامع خودشان را در خاورمیانه پیش ببرند. هدف اصلی آن‌ها هم این بود که بتوانند خاورمیانه‌ای درست کنند بر محور منافع اسرائیل؛ به تعبیری که آن روز ما می‌کردیم، خاورمیانه‌ای با پایتختی اسرائیل؛ این‌طور چیزی مورد نظرشان بود. اشغال عراق و حمله‌ی به عراق، جزئی از نقشه‌های این پروژه بود. عراق یکی از ثروتمندترین کشورهای این منطقه و کشورهای عربی است؛ کشوری که امروز مناسفانه مردمش این‌طور در فقر و حالت درآواری زندگی می‌کنند. امریکائی‌ها می‌خواستند این کشور را در مشت بگیرند- صدام کافی نبود، غیر قابل محاسبه بود- دولتی را در آنجا سر کار بیاورند که هم ظاهر مردمی داشته باشد، هم توی مشت آن‌ها باشد. این یکی از قدمهای مهم ایجاد خاورمیانه‌ی جدید بود که باید بر محور منافع

اسرائیل به وجود بیاید. آن وقت چنین خاورمیانه‌ای می‌تواند ایران اسلامی را در محاصره قرار بدهد؛ هدفشان این بود. شما حالا جز این نقشه را مورد ملاحظه قرار بدهید. در فلسطین این نقشه شکست خورد. فلسطین که یک نقطه‌ی اصلی و محوری بود، این نقشه در آنجا شکست خورد. چرا؟ به‌خاطر اینکه در فلسطین گروه حماس که بزرگترین و اصلی‌ترین هسته‌ی مقاومت در مقابل اسرائیل است، با آرا مردم دولت تشکیل داد و سر کار آمد. تودهنی به آمریکا و اسرائیل از این بالاتر؟ از آن روزی هم که این دولت به وجود آمده است، مرتب دارند کارشکنی می‌کنند که از میدان خارجش کنند؛ اما تا امروز نتوانسته‌اند. مناسفانه از خود بعضی از فلسطینی‌ها هم کمک گرفتند برای به زانو در آوردن دولت مردمی فلسطین؛ اما تا امروز بحمد الله نتوانسته‌اند، امیدواریم بعد از این هم نتوانند. این مربوط به فلسطین.

خود رژیم صهیونیستی هم - که هدف، تقویت این رژیم بود - ضربه خورد و آمریکائی‌ها هم تودهنی خوردند. چگونه تودهنی خوردند؟ تابستان سال گذشته، این نیروی نظامی پرهیاهوی پرمدها- ارتش اسرائیل که ادعا می‌شد قوی‌ترین ارتش این منطقه است- با سازوبرگ مفصل وارد جنگ با لبنان شد؛ آن هم نه با یک کشور، نه با یک دولت؛ با یک نیروی منظم، با چند هزار نیروهای حزب الله و مقاومت اسلامی. سی و سه روز این جنگ طول کشید، که در این منطقه سابقه ندارد. چندین جنگی که اسرائیل با اعراب داشته است، از چند روز- حد اکثر یکی دو هفته- تجاوز نکرده است. این جنگ، سی و سه روز طول کشید و با شکست کامل و مفتضحانه‌ی ارتش اسرائیل تمام شد. کی تصور می‌کرد؟ آمریکائی‌ها اصلا فکرش را نمی‌کردند، اما اتفاق افتاد. این هم یک تودهنی. آن‌ها قصد داشتند در لبنان حزب الله را خلع سلاح کنند؛ اما حزب الله نه فقط خلع سلاح نشد، بلکه آن‌چنان قوی و مقتدر شد که توانست ارتش اسرائیل را که به صورت افسانه‌ای شکست‌ناپذیر می‌دانستند، شکست بدهد.

پس در مورد دولت فلسطین شکست خوردند، در مورد دولت جعلی صهیونیستی شکست خوردند، در مورد قطع کردن دست جوانان رشید لبنانی از کمک به فلسطین شکست خوردند، در مورد عراق هم شکست خوردند. عراق را آمدند اول با فتح نظامی اشغال کردند. این، قدم اول بود و بخش آسان مسئله بود. امروز بیش از چهار سال از اشغال عراق به وسیله‌ی آمریکائی‌ها و همپیمانانشان می‌گذرد. همه در دنیا قضاوتشان این است که آمریکا در عراق شکست خورده. همه‌ی تحلیلگران دنیا می‌دانند که آمریکا امروز با سراسیمگی دنبال راهی می‌گردد که آبرومندانه از عراق خارج شود. همه می‌دانند که آمریکا در عراق به بن‌بست رسیده. هدف آمریکائی‌ها این بود که یک دولت دست‌نشانده به وجود بیاورند. دولتی که مردم عراق روی کار آورده‌اند، دولتی است که با هدفای آمریکائی خیلی فاصله دارد؛ در مقابل آمریکائی‌ها می‌ایستد؛ دست‌نشانده‌ی آن‌ها و تسلیم آن‌ها نیست. آمریکائی‌ها خیلی به این در و آن در زدند، بلکه بتوانند دولت مردمی را ساقط کنند و دولت خودشان را سر کار بیاورند، اما نتوانستند؛ تا امروز هم نتوانسته‌اند. اگر ملت عراق ان شا الله هوشیاری‌شان را حفظ کنند، بعد از این هم نخواهند توانست.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

سیاستهای استکبار، سیاستهای آمریکا، سیاستهای شبکه‌ی صهیونیستی عالم که آماج اولش برای دشمنی، به دلایل روشن، جمهوری اسلامی است، نمی‌تواند جمهوری اسلامی را از پا در بیاورند. نه فقط نمی‌توانند از پا در بیاورند، نمی‌توانند کند کنند. ما می‌توانیم با سرعت حرکت خودمان را پیش ببریم. البته منتظر توطئه‌ی دشمن هستیم. این توطئه‌ها ادامه پیدا خواهد کرد، تا یک مقطعی؛ آن مقطع عبارت است از اقتدار همه‌جانبه‌ی کشور که این، کار شما دانشجویان، کار شما نسل جوان است. آن وقتی که توانستید کشور را به اقتدار علمی و به اقتدار اقتصادی برسانید و آن وقتی که توانستید عزت علمی را برای کشور فراهم کنید، آن روز البته توطئه‌ها کم خواهد شد؛ مایوس خواهند شد. تا وقتی به آن نقطه نرسیده‌ایم، منتظر توطئه‌ها باید بود و آماده‌ی مقابله با این توطئه‌ها باید بود. و ان شا الله هر روزی که بگذرد، شما قوی‌تر خواهید بود، دشمن شما ضعیف‌تر خواهد شد و آن روزی که پیروزی نهائی نصیب ملت بشود، ان شا الله روز دوری نخواهد بود.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه‌ی همایش غزه / ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

ملائکه الله به ما هم در دفاع هشت‌ساله‌مان کمک کردند؛ ما این کمک را به چشم خودمان دیدیم. حالا یک آدم غرق در مادیات باور نمی‌کند، خب نکند؛ ما این کمک را دیدیم. امروز هم ملائکه الله دارند به ما کمک می‌کنند؛ امروز هم به کمک الهی است که ما ایستادیم. ما نیروی نظامیمان با آمریکا قابل مقایسه نیست؛ نیروی اقتصادیمان، امکانات مالی‌مان، امکانات تبلیغاتی‌مان، گستره‌ی فعالیت سیاسی‌مان با آمریکا قابل مقایسه نیست؛ اما در عین حال ما قوی‌تر از آمریکائیم. بالینکه او پول‌دارتر است، او مسلح‌تر است، او امکانات تبلیغاتی‌اش بیشتر است، او امکانات مالی و سیاسی‌اش بیشتر است؛ اما در عین حال او ضعیف‌تر است و ما قوی‌تریم. دلیل قوی‌تر بودن ما این است که در همه‌ی این میدانهای که ما و آمریکا باهم مواجهیم، او قدم‌به‌قدم عقب‌نشینی می‌کند؛ ما عقب‌نشینی نمی‌کنیم؛ ما جلو می‌رویم. این، نشانه‌ی این به برکت اسلام است؛ این به برکت کمک الهی و کمک ملائکه الله است. ما به این‌ها اعتقاد داریم، این‌ها را باور داریم، این‌ها را به چشم خودمان داریم می‌بینیم. و ان شا الله آن روزی که قدس شریف، علی‌رغم این دغدغه‌هایی که در مورد قدس بیان کردند- که یک دغدغه‌های واقعی است- به دست مسلمانها بیفتد، شاید خیلی از شماها آن را ببینید؛ ما باشیم یا نباشیم؛ به هر حال این را یک روزی مردم فلسطین و مردم دنیا مشاهده خواهند کرد.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۹/۰۶/۲۵

اینی که انسان می‌بیند طرف- حریف- دست‌پاچه شده، تلاش میکند، سراسیمه شده، به این در می‌زند، به آن در می‌زند، این فعالیت را میکند، آن را می‌بیند، این را می‌بیند؛ این پیداست که این طرف قضیه، قدرتی پیدا کرده است که او را مرعوب کرده، به هراس انداخته و سراسیمه کرده. اگر ما ضعیف بودیم، اگر ما آسیب‌پذیر بودیم، اگر میتوانستند با یک ضربت، ما را به زانو در بیاورند، این همه تلاش لازم نبود. این تلاش، نشانه‌ی اقتدار این طرف است؛ و واقع قضیه هم همین است، که حالا من اشاره خواهم کرد. این طرف نسبت به سه دهه‌ی قبلی قوی‌تر شده است، مجرب‌تر شده است، آگاه‌تر شده است، دستهای بازتری پیدا کرده است و متقابلا دشمن ضعیف‌تر شده است. یک روز همه‌ی دنیا مستکبر، مجتعا علیه ایران بودند. یعنی واقعا یک نقطه‌ی استراحتگاه وجود نداشت. در دهه‌ی اول انقلاب این‌چنین بود دیگر، شوروری یک قدرتی بود که فقط یک کشور که نبود، یک مجموعه‌ی عظیم از کشورها بود که مرکز، اینجا و در روسیه‌ی امروز بود؛ اروپای شرقی متعلق به اینها بود، غالب کشورهای آفریقائی و آمریکای لاتین با اینها بودند و در آسیا بسیاری از اینها حساب می‌بردند. اینها علیه جمهوری اسلامی بودند. ما آن وقت برای یک سلاح متعارف به هیچ جا نمیتوانستیم مراجعه کنیم؛ یعنی هیچ کشوری در دنیا نبود که یک سلاح متعارف- مثلا فرض کنید تانک- را بیست تا، سی تا اگر میخواستیم، به ما بفروشند. من همان وقت زمان ریاست جمهوری خودم، سفری کردم به یوگسلاوی، که علی‌الظاهر خیلی هم ما را تحویل گرفتند و احترام کردند و به‌به و چه‌چه هم کردند؛ اما هرچه اصرار کردیم، اینها حاضر نشدند به ما همین سلاحهای متعارف را بدهند. با اینکه یوگسلاوی جزو کشورهای مستقل بود، نه جزو غرب بود، نه جزو بلوک شرق بود؛ اما در عین حال حاضر نشدند. دیگران که خب، جای خود دارند.

آن طرف هم بلوک غرب بود؛ آمریکا بود، اروپا بود، همین فرانسه‌ی امروز که حالا تبلیغات علیه ما میکنند و حرف علیه ما می‌زنند، آن روز «میراز» علیه ما میفرستادند، «سویر اتاندراد» علیه ما میدادند؛ یعنی حمله‌ی آن روز این کشورها علیه ما از حالا خیلی بیشتر بود. امروز آلمانها فرض کنید که یک حرفی در تبلیغاتشان- صدر اعظمشان یا دیگری- می‌زند؛ آن روز سلاح شیمیائی به صدام میدادند، کارخانه‌ی سلاح شیمیائی برایش درست میکردند؛ یعنی دشمنی‌ها آن روز عملی‌تر و فعالتر بود.

امروز، این حرفها نیست، این خبرها نیست؛ یعنی نمیتوانند، زمینه‌ای برای آنها وجود ندارد، نه اینکه امروز نجیب‌تر شده‌اند، بهتر شده‌اند؛ نه، می‌بینند که نمیشود کاری‌اش کرد؛ یعنی این حجم عظیم، روزبه‌روز پرمغزتر هم شده، قوی‌تر هم شده، و غرب، امروز- این نکته‌ی مهمی است- احساس میکند که سلطه‌ی قدیمی‌اش بر دنیا اسلام متزلزل شده؛ یعنی اینهایی که در کشورهای اسلامی و عربی بی‌هیچ مانعی و رادعی میتاختند و جلو می‌رفتند، امروز می‌بینند نمیشود؛ نمیتوانند.

این موج اسلامی آنها را وادار کرده، حتی تجدیدنظر می‌خواهند بکنند، آن هم برایشان مشکل شده. در بعضی از کشورها که وابستگی آنها به غرب واضح و آشکار است- مردمشان هم این را میدانند و ناراضی هستند- می‌خواهند یک تجدیدنظرهایی بکنند، بلکه بتوانند اوضاع را روبه‌راه بکنند، نمیتوانند؛ برای آنها یک راه بن‌بست است. امروز غرب در یک چنین موقعیتی است. خب، این ضعف طبعاً نتیجه‌اش همین است که بیایند سراغ این چیزها و قطعنامه صادر کنند. قطعنامه، یکی دو تا، پنج تا، ده تا. قطعنامه‌ای که دل ملتها، حتی دل دولتها هم با او همراه نیست. همین دولتهایی که بعضی‌ها خودشان عضو شورای امنیتند و این قطعنامه‌ها را امضا میکنند، ما اطلاع داریم که حتی بعضی از خود این دولتها راضی به این تحریمها نیستند؛ برای آنها یک عمل قسری است و یک عمل جبری است؛ یک رودربایستی سیاسی است. وضع این است.

بیانات در دیدار فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۸۹/۱۱/۱۹

امروز خاورمیانه بیدار شده است، دنیای اسلام بیدار شده است. سالهای سلطه‌ی قدرتمندان دور از این منطقه - که به خاطر وجود منابع عظیم این منطقه هجوم آوردند و دوران استعمار و استعمار نو و استعمار بالاتر از نو را تجربه کردند - دارد به پایان میرسد؛ این یک واقعیتی است. یک روزی در منطقه‌ی ما این دو قدرت بزرگی که آن روز بودند - یعنی آمریکا و شوروی سابق - بر همه‌ی امور سیاسی این منطقه مسلط بودند. یک بخشی مربوط به چپ بود، یک بخشی مربوط به راست بود؛ با هم اختلاف و دعوا، بعد هم یک وقتی با هم می‌ساختند - در راس، قدرتهای پشت سر اینها، آمریکا و شوروی با هم می‌ساختند - یکهو میدیدیم مصر را فروختند! کمالینکه در یک دوره‌ای فروختند. در واقع جنگ بین دو اردوگاه بود. بعد در بالا با هم نشستند پشت پرده مذاکره کردند. ملتها، زمامدارانشان، منافعشان، همه زیر پا له میشد.

امروز اینجوری نیست. امروز ملتهای منطقه افول تدریجی قدرتها را می‌بینند. و در این زمینه، پیشرو، ایران اسلامی است با پشتوانه و عقبه‌ی عظیم فرهنگی و امکاناتی که در این کشور هست؛ آن هم ایران متکی به اسلام، که اسلام آمیخته است با جان و روح و فکر این ملت و این مجموعه. این را بایستی نگه داشت؛ این خیلی باارزش است. هر بخشی هم نقشی دارد. ارتش نقش مختص خود را دارد. در میان ارتش، نیروی هوایی نقش ویژه‌ی خود را دارد.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۸۹/۱۲/۰۱

اساس مشکل در دنیای اسلام، آمریکا است. حضور مستکبرین و مستعمرین در دنیای اسلام، همیشه بیشترین و بزرگترین ضربه را به هویت اسلامی و مردمی ملتها زده. از شرق دنیای اسلام بگیرید، از اندونزی و مالزی و هند، تا برسید به آفریقا؛ همه جا حضور مستعمران بوده است که ملتها را ضعیف کرده، خون آنها را گرفته، اراده‌هایشان را تضعیف کرده. امروز آن مستکبر و مستعمر، آمریکا است؛ بقیه در حاشیه‌اند. حضور آمریکا بزرگترین مشکل است. گفت: «وجودک ذنب لایقاس بها ذنب». از همه‌ی بدیختی‌های دنیای اسلام بزرگتر، امروز حضور آمریکاست؛ این را باید علاج کرد. باید آمریکا را از عرصه دور کرد، او را تضعیف کرد. خوشبختانه ضعیف هم شده‌اند. آمریکای امروز، آمریکای بیست سال قبل و سی سال قبل نیست. آمریکا امروز بشدت ضعیف شده است. این را باید نگه داشت. نباید ناامید بود.

بیانات در دانشگاه افسری امام حسین (ع) / ۱۳۹۰/۰۲/۱۰

امپراتوری نظامی و مالی و تبلیغاتی و سیاسی مسلط بر دنیا - یعنی شیطان بزرگ، آمریکا - با همه‌ی توان، با همه‌ی آنچه که در چنته داشت، به میدان نظام جمهوری اسلامی آمد، به میدان انقلاب آمد و خاطر جمع بود که انقلاب را به زانو در می‌آورد. امروز بعد از سی سال، شما نگاه کنید ببینید چه اتفاقی در دنیا افتاده؛ آنها به زانو درآمدند. سیاست بسیار حساس تعیین‌کننده‌ی خاورمیانه‌ای آمریکا بکلی شکست خورده است؛ این را همه دارند می‌بینند و همه به آن اعتراف میکنند. در فلسطین شکست خوردند. مزدوران و باران و همپیمانان نزدیک خود را از دست دادند. یک روز فقط رژیم طاغوت فاسد پهلوئی از دست آنها رفته بود؛ امروز رژیمهای دیگری از دست آنها رفتند یا در شرف از دست رفتند؛ بنابراین متزلزلند. امروز آمریکا در منطقه‌ی غربی آسیا - یعنی همین منطقه‌ی شمال آفریقا و منطقه‌ای که اسم آن را «خاورمیانه» گذاشتند - منزوی است. امروز اسلام در این منطقه زنده است. امروز جوانان با شعار اسلامی وارد میدان میشوند. یک روزی در سی سال پیش، چهل سال پیش، در همین کشورهای شمال آفریقا، اگر کسی می‌خواست از انگیزه‌های ملی و انقلابی حرفی بزند، به شعارهای چپ متوسل میشد؛ امروز این حرفها دور افتاده است، این حرفها به زباله‌دان تحویل داده شده است. امروز در این منطقه، حرف رانج، سکه‌ی رانج، سخن قاطع، اسلام است و قرآن. این، کم دستاوردی است؟ این همان چیزی است که وقتی انقلاب اسلامی پیروز شد، جمهوری اسلامی به نام اسلام و قرآن در این منطقه پرچم برافراشت، آنها به خودشان لرزیدند. گفتند ممکن است چنین چیزی پیش بیاید، لذا تلاش کردند که نگذارند؛ اما علی‌رغم آنها، امروز پیش آمده. جوان امروز ما دارد این را در مقابل خودش می‌بیند.

بیانات در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین / ۱۳۹۰/۰۷/۰۹

ایستادگی غزه با وجود محاصره‌ی کامل، نصرت الهی بود. سقوط رژیم خائن و فاسد حسنی مبارک، نصرت الهی بود. پدید آمدن موج پرقدرت بیداری اسلامی در منطقه، نصرت الهی است. برافزادن پرده‌ی نفاق و تزویر از چهره‌ی آمریکا و انگلیس و فرانسه و تنفر روزافزون ملتهای منطقه از آنان، نصرت الهی است. گرفتاری‌های پی‌درپی و بیشمار رژیم صهیونیست، از مشکلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی داخلی‌اش گرفته تا انزوای جهانی و انزجار عمومی و حتی دانشگاه‌های اروپایی از آن، همه و همه مظاهر نصرت الهی است. امروز رژیم صهیونیستی از همیشه منفرتر و ضعیف‌تر و منزوی‌تر، و حامی اصلی‌اش آمریکا از همیشه گرفتارتر و سردرگم‌تر است.

بیانات در مراسم مشترک نیروهای مسلح کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۱

امروز رژیم مستکبر آمریکا دچار مشکلات است. باتلاق فراهم‌آورده‌ی به دست خودشان در مناطق گوناگون، آنها را دارد غرق میکند. رژیم آمریکا نمیتواند از باتلاقی که به دست خودش در افغانستان به وجود آورده، خودش را خارج کند؛ چون راهش را بلد نیست. آنها نمیتوانند خودشان را خلاص کنند. با راه‌های مادی، با نگاه مادی، با نگاه متکبرانه، با روحیه‌ی تجاوزکارانه و طلبکارانه نمیشود در دنیایی که امروز مردم در آن بیدارند، کارها را پیش برد. کار، با منطق، با عقل، با معنویت پیش میرود؛ این همان روشی است که نظام جمهوری اسلامی در پیش گرفته.

بیانات در اجتماع مردم گیلان غرب / ۱۳۹۰/۰۷/۲۳

میگویند میخواهیم ایران را منزوی کنیم؛ اما خودشان منزوی شدند. امروز در میان ملتها، هیچ دولتی در دنیا به قدر آمریکا منفور نیست. امروز آمریکا منفورترین دولتها و رژیمها در چشم ملتهای منطقه است. شما منزوی هستید که منفورید.

رئیس جمهور آمریکا دو سال قبل به مصر رفت تا یک مقدار تملق اسلام و مسلمانها بکند، بلکه بتواند افکار عمومی دنیای اسلام را به خودش متوجه و معطف کند. نتیجه چه شد؟ یک اقلیت کوچک - یعنی گروه حاکم؛ همین حسنی مبارک معزول برکنار شده - طرفداری کردند، اما عموم ملت مصر و عموم ملتهای منطقه فریب این ظاهرسازی را نخوردند. امروز شما می‌بینید شعار ضد آمریکا در همان کشورها برپاست.

رئیس جمهور آمریکا به کشور افغانستان - که کشور تحت اشغال آنهاست و صد و چند ده هزار نیروی آمریکایی و ناتو در افغانستان هستند - سفر میکند، اما جرات نمیکند از پایگاه بگرام، که پایگاه آمریکایی است، خارج شود؛ با هیچکدام از رجال سیاسی افغانستان در کابل و غیر کابل نتوانست ملاقات کند؛ رفت به پایگاه، از پایگاه آمد بیرون؛ شما از اکثریت مردم می‌ترسید، از اکثریت ملتها می‌ترسید. امروز شما از اکثریت ملت خودتان در آمریکا هم می‌ترسید؛ نشانه‌اش این حرکت و جنبش

وال استریت است که به نیویورک محصور نماند؛ در شهرهای متعدد دیگر در آمریکا مردم اظهار نفرت میکنند. پس شما منزوی هستید. برای اینکه جمهوری اسلامی را منزوی کنند، «ایران‌هراسی» را عمومی کنند، مرتباً حرف پشت سر حرف می‌آورند. نه؛ ایران طرفدار ملت‌هاست، طرفدار مظلومین است. جمهوری اسلامی با ظلم مخالف است، با ظالم مبارزه میکند، در مقابل زورگویی و زیاده‌خواهی ظالمان و مستکبران هم با همه‌ی وجود می‌ایستد و عقب‌نشینی نمیکند. برای همین است که ملت‌ها هر جایی که جمهوری اسلامی را میشناسند، به جمهوری اسلامی علاقه‌مندند، طرفدار جمهوری اسلامی‌اند، شعارهای جمهوری اسلامی برای آنها دلنشین است؛ بعکس شما سران رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا، که در عراق منفورید، در افغانستان منفورید، در مصر منفورید، در تونس بعد از انقلاب منفورید، در لیبی که نیروهای نظامی وارد کردید و تحرک نظامی دارید، منفورید؛ حتی در اروپا منفورید. چند سال قبل در یکی از کشورهای اروپائی طبق معمول یک اقلیتی نشستند جایزه‌ی صلح نوبل را برای رئیس‌جمهور فعلی آمریکا تصویب کردند - اینها یک اقلیتی بودند؛ انگیزه‌های سیاسی، روابط سیاسی بر این کار آنها حاکم بود - بعد رئیس‌جمهور آمریکا رفت که جایزه را بگیرد، مردم همان کشور علیه رئیس‌جمهور تظاهرات کردند! شما با اقلیتها هستید، شما با مجموعه‌های یک درصدی هستید، مجموعه‌های عظیم نود درصدی مردم با شماها مخالفند؛ این درست نقطه‌ی مقابل جهتگیری و حرکت جمهوری اسلامی است. لذا دشمن با تلاش خود، با فعالیت خود، با جان‌کندن خود، در مبارزه‌ی با ملت ایران به جانی نمیرسد و ایستادگی ملت، ایستادگی جوانان ما برای حفظ هویت ملی و شخصیت اسلامی‌شان، بر همه‌ی این تلاشها فائق می‌آید. و من از شما جوانهای عزیز میخواهم قدر این وضعیت را بدانید و خودتان را روزه‌روز برای آینده‌ی پرافتخار سربلند آماده‌تر کنید.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۹۰/۰۸/۱۴

غرب و آمریکا و صهیونیسم، امروز از همیشه ضعیف‌ترند. گرفتاریهای اقتصادی، ناکامی‌های پی‌درپی در افغانستان و عراق، اعتراضهای عمیق مردمی در آمریکا و دیگر کشورهای غربی - که دامنه‌ی آن روزه‌روز گسترده‌تر شده است - مبارزات و جانفشانی‌های مردم فلسطین و لبنان، قیامهای دلیرانه‌ی مردم در یمن و بحرین و برخی دیگر از کشورهای زیر نفوذ آمریکا، همه و همه حامل بشارتهای بزرگی برای امت اسلامی و بویژه کشورهای انقلابی جدید است. مردان و زنان مومن در سراسر جهان اسلام و بویژه در مصر و تونس و لیبی، از این فرصت برای تشکیل قدرت بین‌الملل اسلامی، بیشترین بهره را ببرند. خواص و پیشروان نهضت‌ها به خدای بزرگ توکل و به وعده‌ی نصرت او اعتماد کنند و صفحه‌ی تازه‌گشوده‌ی تاریخ امت اسلامی را با افتخارات ماندگار خود، که مایه‌ی رضای الهی و زمینه‌ساز نصرت اوست، مزین سازند.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

در جهان هم اوضاع، اوضاع غریبی است. آمریکا دچار ضعف شده است - هم ضعف اقتصادی و مالی، هم ضعف سیاسی - این هم یک واقعیتی است. آمریکا در سیاست خاورمیانه‌ای خودش شکست خورد، در قضیه‌ی فلسطین شکست خورد، در قضیه‌ی عراق شکست خورد، آمریکائی‌ها میخواستند عراق را مستقیماً خودشان اداره کنند، نتوانستند - ملت عراق ایستاد و نگذاشت - خواستند دولتی دست‌نشانده بیاورند، نتوانستند؛ خواستند با کاپیتولاسیون بمانند، دولت و ملت عراق اجازه ندادند. امروز دولت عراق یک دولت مردمی است، ملت عراق یک ملت زنده و بیدار است؛ و همین موجب شد که آمریکائی‌ها بدون هیچ دستاوردی، آنچه که میخواستند، نشد، از عراق خارج بشوند. البته دخالتهای نفتی دارند، دخالتهای امنیتی دارند؛ که لابد ملت و دولت عراق ان‌شاءالله در آینده برای آن هم فکری خواهند کرد.

در قضایای داخلی هم - که آمریکائی‌ها سعی میکنند این را پنهان کنند - آمریکا دچار ضعف است. نمیخواهند اقرار کنند که دچار ضعفند. اواما در سخنرانی چند روز پیش در کنگره، کمترین اشاره‌ای به این نکرد که ملت آمریکا بیش از چهار ماه است که توی خیابانهاینا! توی این هوا سرد، در سرتاسر آمریکا، در ایالت‌های مختلف، این همه مردم بیایند توی خیابانها بایستند، در مقابل فشار پلیس و ضربه‌های سخت پلیس ایستادگی کنند، این قابل اشاره کردن نبود! اصلاً اشاره‌ای نکردند. میخواهند پنهان کنند. این هم حقوق بشرشان است. اروپا هم همین جور است. اروپا هم دچار ضعف است. غیر از مسائل اقتصادی و مالی و پولی - که اینها ضعفهای عجیبی است و مردم را خشمگین کرده است - از لحاظ سیاسی هم اروپا امروز دچار ضعف است.

من برای شما یک مثال بزنم. دولت فرانسه در دوران ژنرال دوگل که رئیس‌جمهور فرانسه بود، اجازه نداد که انگلیس وارد اتحادیه‌ی اروپا بشود. چرا؟ گفتند انگلیس وابسته‌ی به آمریکاست؛ نوع ارتباطات انگلیس و آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا را از استقلال می‌اندازد. دوگل نگذاشت که انگلیس وارد اتحادیه‌ی اروپا شود، به خاطر ارتباط و اتصال و وابستگی به آمریکا. این مربوط به آن روز فرانسه است. این آقائی که امروز در فرانسه سر کار است، حرفهای آمریکا را رله میکند؛ همان حرفهایی را که آنها میخواهند، آنچه که در دل آنهاست، تکرار میکند؛ شده تابع محض! خب، این ضعف است. کار اروپا به اینجا رسیده است. این فرانسه است؛ کشورهای دیگر اروپائی هم به طریق اولی همین طورند. این ضعف این دستگاه‌هاست.

امروز غربی‌ها در مسائل اقتصادی دچار ضعفند، در مسائل سیاسی دچار ضعفند، در تصمیمات بین‌المللی دچار ضعفند؛ از جمله همین تصمیم به تحریم ما. اینها خواستند در واقع جمهوری اسلامی را، ملت ایران را به خاطر اسلام مجازات کنند. تهدید کردند؛ تحریمهای فلج‌کننده، تحریمهای درآورا! هی گفتند، گفتند. این تحریمها از دو جهت به نفع ماست: اولاً وقتی ما تحریم بشویم، به استعداد و ظرفیت داخلی رو می‌آوریم، از داخل رشد میکنیم؛ همچنان که در این سالی سال این مسئله اتفاق افتاده است. اگر در زمینه‌ی سلاح تحریم نمیشدیم، امروز این پیشرفتهای عجیب را نداشتیم؛ اگر در قضیه‌ی اتمی، اینها نیروگاه بوشهر را خودشان ساخته بودند، ما در غنی‌سازی پیشرفت نمیکردیم؛ اگر درهای علم را به روی ما بسته بودند، ما در سلولهای بنیادی و هوافضا و فرستادن ماهواره به آسمان، به اینجاها نمیرسیدیم. پس هرچه ما را تحریم میکنند، ما به ظرفیت داخلی خودمان متوجه میشویم و رو می‌آوریم و این ظرفیت و استعداد روزه‌روز مثل چشمه‌ی جوشانی شکوفا میشود. پس این تحریم به نفع ماست.

جهت دومی که این تحریمها به نفع ماست، این است که اینها همین طور مرتباً در تبلیغاتشان میگویند ما این تحریمها را میخواهیم بر ایران اعمال کنیم تا ایران را وادار به عقب‌نشینی کنیم؛ حالا مثلاً در قضیه‌ی هسته‌ای. پس همه‌ی دنیا فهمیدند که این تحریمها برای فشار بر ایران، برای عقب‌نشینی در قضیه‌ی هسته‌ای و قضایای دیگر است. خب، وقتی ما عقب‌نشینی نکردیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ این تحریمها برای این است که ایران را وادار به عقب‌نشینی کنند، ایران هم که عقب‌نشینی نخواهد کرد؛ نتیجه این میشود که هیبت غرب و هیبت تهدیدهای غرب در چشم این ملت‌های منطقه که قیام کردند، میشکند و عزت ملت ایران و قدرت ملت ایران در چشم اینها زیاد میشود؛ و این به نفع ماست. بنابراین، این تحریمها برای ضربه زدن به ماست، اما از این دو جهتی که عرض کردم، در واقع خدمت به ماست.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

یک جمله هم راجع به این تهدیدهای آمریکا عرض بکنیم. مرتباً تهدید میکنند؛ تهدید به این زبان: همه‌ی گزینه‌ها روی میز است! یعنی حتی گزینه‌ی جنگ. این، تهدید به جنگ است با این زبان. خب، این تهدید به جنگ، به ضرر آمریکاست؛ خود جنگ، ده برابر به ضرر آمریکاست. چرا این تهدیدها به ضرر آمریکاست؟ به خاطر اینکه خود این تهدیدها نشان‌دهنده‌ی عجز آمریکا از مقابله‌ی منطقی و مقابله‌ی گفتمانی است؛ یک گفتمانی در مقابل گفتمان جمهوری اسلامی ندارند؛ نمیتوانند در میدان مقابله‌ی فکری و منطقی، برای خودشان غلبه‌ای ایجاد کنند؛ مجبور میشوند توسل به زور و تشبیت به زور بکنند. این معنایش این است که آمریکا جز زور، هیچ منطقی ندارد؛ جز خونریزی، هیچ راهی برای پیشبرد خود ندارد. این، اعتبار آمریکا را بیش از آنچه که تاکنون شکسته است، در چشم ملت‌ها و در چشم ملت خودش خواهد شکست؛ این همان چیزی است که سرنوشت رژیمها را معین میکند. آن رژیمی، آن نظامی که اعتبارش در چشم مردم خودش بشکند، سرنوشتش معلوم است؛ مثل رژیم شوروی سابق. اتفاقاً بعضی از صاحب‌نظران غربی همین چند روز قبل گفتند که امروز وضع آمریکا و غرب شبیه وضع شوروی سابق در

سالهای اواخر دهه ۸۰ میلادی است که منجر به سقوط شد. یعنی وقتی یک رژیم، یک نظامی از لحاظ گفتمان، از لحاظ منطق، در چشم مردم خودش ساقط بشود، دیگر آمیدی به بقای این رژیم نیست. لذا هرچه تهدید کنند، به ضررشان است. البته آنها و دیگران بدانند - میدانند هم - که ما هم در برابر تهدید به جنگ و تهدید به تحریم نفتی، تهدیدهای داریم که در وقت خودش، آن وقتی که لازم باشد، ان‌شاءالله اعمال خواهد شد.

بیانات در حرم رضوی در آغاز سال ۹۱ / ۱۳۹۱/۰۱/۰۱

آمریکا با همه قدرت‌نمایی‌هایش، با همه هیاهوها و جنجال‌هایش، امروز در موضع ضعف و موضع متزلزلی است. من نمیخواهم به خبرهای پشت پرده یا به چیزهای ظاهری تمسک کنم؛ حساب من، یک حساب دو تا چهارتاست. ببینید، رئیس جمهور کنونی آمریکا با شعار «تغییر» سر کار آمد. تغییر یعنی چه؟ یعنی وضعیتی داریم که بسیار بد است، من میخواهم آن وضعیت را تغییر بدهم. او با این شعار آمد تو میدانی، مردم هم به خاطر شعار تغییر، به او رای دادند؛ والا مردم نژادپرست حاضر نبودند به یک فردی که از نژاد سیاه است، رای بدهند؛ اما رای دادند، به امید تغییر. خوب، اینکه شعار «تغییر» اینقدر در مردم اثر میگذارد، نشان‌دهنده وضع بد فعلی است. یعنی وضعی که در هنگام نامزد ریاست جمهوری شدن این آقا بر آمریکا حاکم بوده است، به اعتراف مردم آمریکا، وضع بدی بوده است و او قول داد که تغییر پیدا بشود. پس بدی مسلم شد. ما نمیخواهیم این را بگوئیم؛ خود مردم آمریکا اعتراف کردند که وضعشان بد است. خوب، حالا این آقا آمد سر کار؛ آیا تغییر ایجاد کرد؟ توانست تغییر بدهد؟ توانست آن وضع بد را عوض کند؟ امروز آمریکا پانزده هزار میلیارد دلار گرفتاری و بدهکاری دارد. این بدهکاری‌ها از تولید ناخالص ملی‌شان یا بیشتر است یا برابر تولید ناخالص ملی این کشور است؛ این برای یک کشور، بدبختی و گرفتاری است. آن هم که وضع سیاسی‌شان است؛ مجبور شدند بدون دستاورد از عراق بیرون بیایند. در افغانستان روزبه‌روز وضعشان بدتر میشود. در پاکستان که یکی از کشورهای همراه با آنها بود، روزبه‌روز بدنامتر میشوند. در کشورهای اسلامی، در مصر، در شمال آفریقا، در تونس، آمریکائی‌ها از آن هیمنه کاملاً ساقط شده‌اند. علاوه بر همه اینها، جنبش تسخیر والاستریت در خود شهرهای آمریکا به راه افتاده است. این وضعیت، وضعیت خوبی است؟ این حساب دو تا چهارتاست؛ این حساب پیچیده‌ای نیست. تغییر را مردم آمریکا قبول کردند؛ یعنی وضعیت کنونی بد است؛ آن وضعیت بد هم تا حالا تغییر پیدا نکرده است. بنابراین آمریکا گرفتار است. ممکن است آمریکا خطرهایی برای کشورهای دیگر ایجاد کند؛ ممکن است دیوانگی کنند. البته من همین جا بگویم؛ ما سلاح اتمی نداریم، سلاح اتمی هم نخواهیم ساخت، اما در مقابل تهاجم دشمنان - چه آمریکا و چه رژیم صهیونیستی - برای دفاع از خودمان، در همان سطحی که دشمن حمله کند، به آنها حمله خواهیم کرد.

بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی(ره) / ۱۳۹۱/۰۲/۱۲

نمونه‌ی دیگر از پیشرفت ملت ایران این است که ما ملت ایران، امروز از لحاظ قدرت سیاسی، از لحاظ قدرت تاثیرگذاری بر تحولات دنیا و حضور در فعل و انفعالات منطقه‌ی خودمان، بلکه دیگر مناطق جهان، از اول انقلاب بمراتب قوی‌تریم. این مسئله، نمونه‌هایی دارد، شواهدی دارد؛ این را دشمنان ما میگویند. یکی از روسای رژیم جعلی صهیونیستی، که دشمن شماره‌ی یک ملت ایران و انقلاب ایران است، اعتراف میکند و میگوید - اینها عین عبارت اوست - امروز یک نیروی قدرتمندی وجود دارد که در خلاف جهت هدفهای ما پیش میرود و ایران رهبری این قدرت را به دست گرفته است. این سیاستمدار درمانده و حیرت‌زده اعتراف میکند و میگوید امروز پشت مرزهای ما خمینی خیمه زده است! یک سیاستمدار کهنه‌کار شناخته‌شده آمریکائی هم که ما با وضع او کاملاً آشنا هستیم، در یک جلسه‌ی مقایسه میکند آمریکای ۲۰۰۱ میلادی را با آمریکای ۲۰۱۱، میگوید - که این حرفها همه مال همین دو سه ماه اخیر است - کدام دیوانه‌ای وضعیت آمریکای ابرقدرت اول هزاره را به شرائط رفتاری آمریکا در سال ۲۰۱۱ - سال گذشته‌ی میلادی - تبدیل کرده است؟ بعد میگوید: این تحولاتی که اتفاق افتاده و به این وضع منتهی شده است، دامن‌زننده‌ی به این تغییر، ایران است. معنای این جملات این است که امروز ملت ایران توانسته است با حضور خود، با استقامت خود، با عزت خود، با صلابت خود، بر روی حوادث مهم جهان و حوادث مهم منطقه، این تاثیرات ژرف را باقی بگذارد. این هم یک شاخص از شاخصهای پیشرفت، که عرض کردم عینی و جلوی چشم ماست.

بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی(ره) / ۱۳۹۱/۰۲/۱۲

غربی‌ها و آمریکائی‌ها هم که همیشه پشتیبانهای بی‌قید و شرط رژیم غاصب بوده‌اند، امروز از همیشه گرفتارترند. امروز غرب با سلیبی صورت خودش را سرخ نگه داشته است. آنها مشکلات مالی، مشکلات پولی، مشکلات اقتصادی، مشکلات اجتماعی دارند و در مواجهه با مردم خودشان درمانده‌اند. چندین حکومت طرفدار آمریکا در اروپا ساقط شدند. مردم اگر میدان پیدا کنند، هر گونه نشانه‌ی استکبار آمریکائی را که در اروپا مشهود است، با قدرت خودشان خواهند زدود. امروز وضعشان این است. خود آمریکا هم بدتر از همه، ملتها از آمریکا متنفرند. آمریکا دچار بحران است. البته میخواهند این بحران را منتقل کنند به آسیا، منتقل کنند به آفریقا، منتقل کنند به خاورمیانه؛ با حادثه‌آفرینی در کشورهای دیگر و مناطق دیگر، ضعف خودشان را بیوشانند. از جمله کارهایی که میخواهند بکنند، این است که در همین منطقه، این انقلابهای عظیم مردمی را به ضد خودشان تبدیل کنند؛ مردم را به اختلافات قومی، اختلافات مذهبی، اختلافات طائفی سرگرم کنند. ما باید هوشیار باشیم. امروز آمریکائی‌ها از تجربه انگلیسی‌ها دارند استفاده میکنند در ایجاد اختلاف مذهبی بین شیعه و سنی. انگلیس‌ها متخصص دشمنی انداختن بین گروه‌هایند - از جمله بین شیعه و سنی در دنیا اسلام - از چند صد سال قبل آنها اینکاره بودند. آمریکائی‌ها دارند از تجربه آنها استفاده میکنند. مسئله‌ی فلسطین پیش می‌آید، مسئله‌ی مصر پیش می‌آید؛ بمجردی که در مقابل حرکت مردم قرار میگیرند، به یک جوری، با یک ترفندی، با یک خدع‌ای، فوراً مسئله‌ی مذهبی را مطرح میکنند. همه باید بیدار باشند؛ سنی بیدار باشد، شیعه بیدار باشد، عالم مذهبی بیدار باشد، نخیه‌ی دانشگاهی بیدار باشد، اتحاد مردم بیدار باشند؛ بفهمند چه کار میکنند، بفهمند توطئه‌ی دشمن را و نقشه‌ی دشمن را؛ به نقشه‌ی دشمن کمک نکنند. این کاری است که امروز آنها دارند انجام میدهند. البته غربی‌ها، از جمله آمریکائی‌ها، حرکت‌های دیوانه‌وار میکنند. مسئله‌ی هسته‌ای را بزرگ میکنند، برای اینکه مسائل خودشان را از نظرها بیوشانند. مسئله‌ی هسته‌ای ایران را در صدر مسائل دنیا قرار میدهند، در حالی که حقیقت قضیه اینجور نیست. بدروغ اسم سلاح هسته‌ای می‌آورند، بدروغ مسائل را در تبلیغات برجسته و درشت میکنند؛ هدفشان این است که ذهنها را، افکار عمومی را از حوادثی که در خود آمریکا دارد میگذرد، از حوادثی که در خود اروپا دارد میگذرد، منعطف کنند، منصرف کنند. البته موفق هم نخواهند شد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۹۱/۰۵/۰۲

یک واقعیت دیگر این است که جهه‌ی مقابل ما در طول این سالها ضعیف‌تر شده است. یعنی اگر ما دو نماد اصلی این جهه را آمریکا و رژیم صهیونیستی بدانیم، و غرب را دنبال سر اینها بدانیم، واضح است که اینها ضعیف‌تر شده‌اند. امروز رژیم صهیونیستی بمراتب ضعیف‌تر از بیست سال قبل و سی سال قبل است. بعد از حوادث شمال آفریقا و مسئله‌ی مصر، رژیم صهیونیستی بشدت تضعیف شده است؛ هم از درون دچار مشکل است، هم از بیرون مشکلات بی‌نهایتی دارد. آمریکای امروز هم آمریکای زمان ریگان نیست؛ اینها بمراتب عقب رفتند. در عراق وضعشان آنجوری شد؛ در افغانستان روزبه‌روز وضعشان بدتر شده است؛ در سیاست‌های خاورمیانه‌ای‌شان شکست خوردند؛ در جنگ سی‌وسه روزه، عاملشان که رژیم صهیونیستی است، شکست خورد؛ در جنگ بیست و دو روزه، عاملشان که رژیم صهیونیستی است، نتوانست در مقابل یک میلیون و اندی انسان بی‌دفاع کاری از پیش ببرد. اینها واقعیت‌های خیلی مهمی است. بنابراین اینها ضعیف شده‌اند. اینها نسبت به بیست سال قبل و سی سال قبل بمراتب ضعیف‌ترند. این هم یک واقعیت دیگر است. یک واقعیت دیگر این است که رژیم‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی درگیر بحرانند؛ همین چند دولت غربی، خودشان و اطرافیان‌شان دچار بحرانند. با این بحران

اقتصادی‌ای که در اروپا وجود دارد، اتحاد اروپا جدا در تهدید است، یورو جدا مورد تهدید است. آمریکا هم به نحو دیگری؛ کسری بودجه‌ی فراوان، قرض فراوان، فشار مردم، حرکت ضد وال‌استریت، حرکت - به قول خودشان - نود و نه درصدی. اینها حوادث مهمی است. البته وضع اروپا از آمریکا بدتر است؛ چند دولتشان سقوط کردند. الان در چندین کشور اروپائی بی‌ثباتی وجود دارد.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها / ۱۳۹۱/۰۵/۲۳

یکی دیگر از نشانه‌های این تحول اساسی‌ای که در نقشه‌ی دنیا انسان احساس میکند، افول وجهه‌ی آمریکاست. آمریکا به عنوان قدرت اول ثروت و علم و فناوری و نظامی دنیا، چندین دهه با وجهه‌ی زندگی کرد؛ که همین وجهه موجب شد نفوذ پیدا کند. در دهه‌های اول نیمه‌ی دوم قرن بیستم، این وجهه در اوج بود. در ایران خود ما همین جور بود؛ دولت ملی‌ای مثل دولت مصدق که از زیر بار انگلیس میگریخت، به دامن آمریکا پناه میبرد؛ این وجهه بود. در همه‌ی دنیا یک چنین حالتی بود. امروز این وجهه به طور کامل از بین رفته است؛ یعنی آمریکا به عنوان یک متهم در دنیا مطرح است. دولت آمریکا در هیچ کشوری، میان هیچ ملتی، یک وجهه‌ی عمومی ندارد. «مرگ بر آمریکا» دیگر جزو شعارهای اختصاصی ملت ایران نیست؛ در بسیاری از کشورها گفته می‌شود. یک دولت طرفدار ظلم، طرفدار جنگ، طرفدار انباشت تسلیحات، طرفدار سلطه‌ی بر ملتها، طرفدار زورگوئی، دخالت در همه جا، یک چنین عنوانی پیدا کرده؛ این هم یکی از نشانه‌هاست. بنابراین تحول در سطح جهان، یک امر قطعی است.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۹۱/۰۸/۱۰

یک دولت و یک ملت متکی است به آن فکر و منطقی که ارائه می‌دهد. ملتها فقط با پول که در دنیا اعتبار پیدا نمیکنند؛ باید فکر و منطقی وجود داشته باشد. آمریکائی‌ها می‌گفتند ما یک اصولی داریم - به قول خودشان - ارزشهای داریم؛ ارزشهای آمریکائی. برای این اصول و ارزشها، در دنیا هی سر و صدا میکردند. امروز نگاه کنید ببینید وضعیت ارزشهای آمریکائی به کجا رسیده ... ادعا میکنند که ملتشان ملت سرافرازی است. امروز دولتهای آمریکا ملت خود را ذلیل کرده‌اند، گمراه کرده‌اند؛ همان طور که قرآن درباره‌ی فرعون میفرماید: «و اضل فرعون قومه و ما هدی». (۱) مردم خودشان را گمراه کردند؛ نمیگذارند از حقایق مطلع شوند. این حرکت ۹۹ درصدی و حرکت ضد وال استریت که در آمریکا راه افتاده، با توجه به این است که مردم آمریکا از بسیاری از حقایق مطلع نیستند؛ اگر مطلع باشند، این حرکت شاید ده برابر شدیدتر شود. مردم خودشان را در اسارت صهیونیستها قرار داده‌اند. این ننگ نیست برای یک دولت که نامزدهای ریاست جمهوری‌اش در مبارزات و مباحثات انتخاباتی جوری حرف بزنند که دل صهیونیستها را شاد کنند؛ نوکری و اطاعت خودشان از آنها را اثبات کنند؟! اینکه شما می‌بینید در مجادلات انتخاباتی که دو نامزد فعلی آمریکا دارند، هر کدام سعی میکنند نسبت به جامعه‌ی یهود فلسطینی و جامعه‌ی صهیونیستها و سرمایه‌دارهای اسرائیلی بیشتر اظهار اطاعت کنند، برای خاطر این است که اسیر آنهایند. دولتمردانی با یک چنین کشور بزرگی، با یک چنین پیشرفت علمی‌ای، ملت خودشان را اسیر یک مشیت صهیونیست کرده‌اند!

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۹۱/۰۸/۱۰

کشور به رغم دشمن، از همه‌ی ابعاد پیشرفت کرد و آباد شد. کشوری که قرنهای متمادی به حکومت فردی عادت کرده بود، به حکومت استبدادی عادت کرده بود، یکی از بهترین مردم‌سالاری‌ها در این کشور رشد پیدا کرد؛ در حضور هنگام انتخابات، در حضور در مسائل عمومی و مشارکتهای عمومی. این همان انقلابی است که آمریکائی‌ها میخواستند نباشد، میخواستند نابود شود، میخواستند ضعیف شود، به خودشان وعده میدادند که تا چند ماه دیگر از بین خواهد رفت. آمریکائی‌ها به این نوکرهای مستبد منطقه‌ای‌شان هی دلخوشی میدادند که تا چند وقت دیگر صبر کنید، انقلاب از بین می‌رود و نابود میشود! انقلاب روزه‌روز بحمدالله رشد کرده. این، این طرف قضیه است. آن طرف قضیه، دولتمردان آمریکا هستند؛ دولت مستکبر آمریکاست. در دنیا هیچ کس نیست که شک داشته باشد در این که آمریکا در این سی سال، بیش از سی رتبه از لحاظ اقتدار و وجاهت جهانی سقوط کرده؛ همه این را می‌بینند و میدانند؛ خود آمریکائی‌ها هم به همین اقرار میکنند. همین سیاستمداران قدیمی کهنه‌کار آمریکائی، دولتها و دولتمردان فعلی را - که باید گفت دولتمردان و دولترنان (!) فعلی را - مسخره میکنند که شما آمریکا را از آنجا رساندید به اینجا. راست هم میگویند؛ آمریکا سقوط کرده. امروز هیچ دولتی در دنیا به قدر دولت آمریکا منفور نیست. اگر امروز دولتهای منطقه‌ی ما و دولتهای دیگر جرات کنند و یک روزی را به عنوان روز برائت و نفرت از دولت آمریکا معین کنند و به مردم بگویند در این روز بیانیید راهپیمائی کنید، بزرگترین راهپیمائی تاریخ در دنیا اتفاق خواهد افتاد! این از موقعیت آبروئی آمریکا. از لحاظ موقعیت منطقی و فکری آمریکا؛ بالاخره یک دولت و یک ملت متکی است به آن فکر و منطقی که ارائه می‌دهد. ملتها فقط با پول که در دنیا اعتبار پیدا نمیکنند؛ باید فکر و منطقی وجود داشته باشد. آمریکائی‌ها می‌گفتند ما یک اصولی داریم - به قول خودشان - ارزشهای داریم؛ ارزشهای آمریکائی. برای این اصول و ارزشها، در دنیا هی سر و صدا میکردند. امروز نگاه کنید ببینید وضعیت ارزشهای آمریکائی به کجا رسیده.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در «کنگره‌ی جهانی جریانهای افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام» / ۱۳۹۳/۰۹/۰۴

هیمنه‌ی آمریکا شما را نترساند؛ دشمن ضعیف شده است. دشمن اسلام که استکبار است، امروز از همه‌ی دورانه‌ی گذشته‌ی این ۱۰۰ سال و ۱۵۰ سال ضعیف‌تر است. دولتهای استعماری اروپا را می‌بینید؛ گرفتار مشکلات اقتصادی، گرفتار مشکلات سیاسی، گرفتار مشکلات امنیتی. انواع و اقسام مشکلات را امروز دولتهای استعماری اروپا دارند. آمریکا بدتر از اینها؛ دچار مشکلات اخلاقی، دچار مشکلات سیاسی، دچار مشکلات شدید مالی و پولی، دچار ضعف حیثیت ابرقدرتی در همه‌ی دنیا؛ نه فقط در دنیای اسلام، [بلکه] در همه‌ی دنیا.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی / ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

همه‌ی واقعیه‌های منطقه‌ی ما نشان‌دهنده‌ی این است که آمریکا در اهداف خود در این منطقه و در بیرون این منطقه شکست خورده است. آمریکا در سوریه شکست خورد، آمریکا در عراق شکست خورد، آمریکا در لبنان شکست خورد، آمریکا در قضیه‌ی فلسطین شکست خورده است، آمریکا در غزه شکست خورده است، آمریکا در تسلط بر مسائل افغانستان و پاکستان شکست خورده است، در بین آن ملتها منفور است؛ در خارج از این منطقه هم همین‌طور است؛ آمریکا در اوکراین شکست خورده است؛ شما هستید که دچار شکست شدید؛ سالها که متمادی است شکست پشت سر شکست!

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی / ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

همه‌ی واقعیه‌های منطقه‌ی ما نشان‌دهنده‌ی این است که آمریکا در اهداف خود در این منطقه و در بیرون این منطقه شکست خورده است. آمریکا در سوریه شکست خورد، آمریکا در عراق شکست خورد، آمریکا در لبنان شکست خورد، آمریکا در قضیه‌ی فلسطین شکست خورده است، آمریکا در غزه شکست خورده است، آمریکا در تسلط بر مسائل افغانستان و پاکستان شکست خورده است، در بین آن ملتها منفور است؛ در خارج از این منطقه هم همین‌طور است؛ آمریکا در اوکراین شکست خورده است؛ شما هستید که دچار شکست شدید؛ سالها که متمادی است شکست پشت سر شکست!

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / ۱۳۹۳/۰۶/۲۵

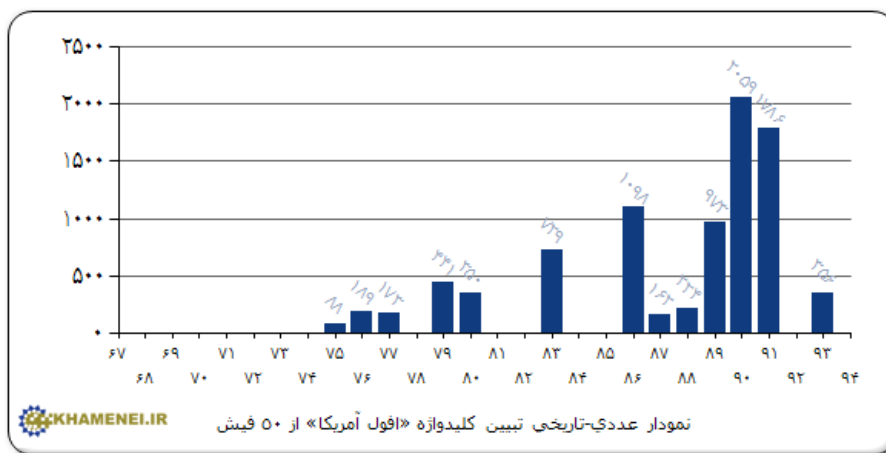
نقاط ضعف دشمن را - نقاط ضعف معرفتی و عملی دشمن را- باید شناسایی کرد و اینها را به رخ انسانهایی که احتیاج دارند این مطلب به رخ آنها کشیده بشود، کشاند. دشمنان انقلاب اسلامی همان کسانی هستند که ده پانزده سال قبل وارد منطقه شدند، شعارشان ایجاد امنیت بود؛ امروز شما نگاه کنید کجای این منطقه امنیت دارد؟ ناامنی سراسر این منطقه را گرفته؛ غرب آسیا و شمال آفریقا. وقتی به افغانستان حمله کردند، شعارشان مبارزه‌ی با تروریسم بود [اما] امروز تروریسم همه‌ی منطقه را فرا گرفته؛ آن هم چه تروریسمی! تروریسم وحشی و خشن؛ تروریسمی که آدم‌هایش انسانها را -دشمنان خودشان را- زنده‌زنده در آتش جلوی چشم همه میسوزانند؛ از امکانات گوناگون فنی هم استفاده میکنند برای اینکه این منظره را درست به چشم و باور همه‌ی مردم دنیا منتقل کنند و منعکس کنند؛ تروریسم این‌جوری! عناصر تکفیری امروز این‌جور هستند؛ بچه را در مقابل مادرش میکشند، پدر و مادر را در مقابل فرزندان‌شان سر میزنند. اینها آمده بودند تروریسم را در منطقه با این شعار و با این ادعا -نمیگویم خواست واقعی‌شان این بود؛ شعارشان این بود- از منطقه برچینند؛ امروز کجای منطقه تروریسم نیست؟ آمده بودند به ادعای خودشان دموکراسی ایجاد کنند؛ امروز مرتجع‌ترین و مستبدترین و دیکتاتورترین رژیم‌های این منطقه به کمک آمریکا و متحدین آمریکا دارند سر پای خودشان می‌ایستند و به جنایات خودشان ادامه میدهند. واقعا یکی از مشکلات اساسی آمریکا این است؛ این مشکل به پروپای سیاستمداران آمریکا هم پیچیده؛ حسابی درگیرند. از رژیم‌هایی حمایت میکنند که در طول سال‌های متمادی شعار ضد دیکتاتوری و شعار حقوق بشری آنها با وجود این رژیم‌ها نقض میشود؛ این الان در بین روشنفکران و نخبگان سیاسی و فکری آمریکا، حسابی مسئله ایجاد کرده؛ نمیتوانند جواب بدهند؛ این دشمن یک چنین موجودی است. دشمنی که در مقابل ما است، آن مسئله‌ی حقوق بشرش، آن مسئله‌ی دموکراسی‌اش، آن مسئله‌ی تروریسمش، آن مسئله‌ی ایجاد امنیتش، آن مسئله‌ی صلح؛ میگفتند ما می‌جنگیم برای صلح؛ کو صلح؟ همه‌ی منطقه را آلوده‌ی به جنگ کردند؛ کجای این منطقه الان جنگ نیست؟ دشمن این است. آنکه انقلاب در مقابل او ایستاده، آنکه شما در مقابلش سینه سپر کرده‌اید، این است؛ یک چنین موجودی با این‌همه تناقض، با این‌همه نقطه‌ی ضعف، با این‌همه خلل معرفتی و عملی؛ این است آن دشمن.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۹۵/۰۵/۱۱

آمریکا در منطقه روزبه‌روز رو به ضعف بیشتر است. نقشه‌هایش افشا شده است و معلوم است که دنبال چه کاری است؛ در کشورهای مختلف میخواهد دخالت کند. این‌جور هم نیست که فقط با ما دشمن باشد و با دیگران دوست باشد؛ نه، شما ملاحظه کردید در کشور ترکیه؛ [البته] هنوز به نظر ما اثبات نشده است، اما اتهام قوی وجود دارد که این کودتایی که در ترکیه رخ داد، با تدبیر و تهیه‌ی آمریکایی‌ها بود. اگر ثابت بشود، رسوایی بزرگی برای آمریکا است. ترکیه کشوری بود که روابط خوبی با آمریکا داشت و میگفت متحد منطقه‌ای آمریکا است؛ [اما] حتی با ترکیه هم حاضر نیستند [بسازند]؛ چون یک گرایش اسلامی آنجا وجود دارد؛ با اسلام مخالفند، با گرایش اسلامی مخالفند، لذا آنجا هم حتی کودتا راه می‌اندازند، البته سرکوب شد، مغلوب شدند و در چشم مردم ترکیه هم منقور شدند؛ در جاهای دیگر هم همین‌جور است؛ هم در عراق، هم در سوریه، هم در مناطق گوناگون دیگر بحمدالله روزبه‌روز رو به ضعفند.

دیدار رئیس جمهوری ونزولا با رهبر انقلاب / ۱۳۹۵/۰۸/۰۱

ایشان با اشاره به ناکام ماندن آمریکا در اجرای سیاستهای خود در منطقه غرب آسیا به‌رغم صرف هزینه‌های هنگفت از جیب خود و بعضی کشورهای منطقه، خاطرنشان کردند: برخی خیال می‌کنند که آمریکا، شکست‌ناپذیر است در حالی‌که این تصور، خطایی بزرگ است و اشتباه‌های مکرر آمریکایی‌ها در ۱۵ سال گذشته، اکنون آنها را در منطقه به‌شدت زمین‌گیر و درمانده کرده است.



مقالات مرتبط با کلیدواژه «افول آمریکا» :

بیداری اسلامی؛ تقابل اسلام و غرب بر مبنای اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری / نویسنده : محمد عبدالحی / ۱۳۹۱/۰۲/۲۴